

# دولت آقای خاتمی!

## چالشها، امیدها و چشمداشتها

نگرشی حاکم باشد حتی مخالفان نظام باید دریابند ایرانی‌ها اگر هم از حاکمان خود ناراضی باشند ارائه راه حل مشکلمان را از بیگانگان طلب نمی‌کنند. این روحیه نیز از یک خاطره تلخ سیصد ساله ناشی می‌شود، همان سیصد سالی که دخالت دادن بیگانگان در امور ایران، با دخالت کردن زورمدارانه ایشان، ملت ما را دچار مصائب کمرشکن سیاسی-هستی-فرهنگی و اقتصادی کرد.

نتیجه هفتمین انتخابات ریاست جمهوری غافلگیرکننده و سرگیزجه‌آور بود. نه برای خارجی‌ها، که حتی برای داخلی‌ها، و از جمله طرفداران برنده این انتخابات. این گروه اخیر هم اگر مدعی شوند که انتظار چنین پیروزی شکننده‌ای را داشتند باید بی‌رو در بایستی به آنها گفت: اغراق می‌کنید... اما اگر طرفداران آقای خاتمی مدعی شوند ما به انتخاب ایشان امیدوار بودیم، ما نیز با ایشان هم آوا می‌شویم و برای آنکه خوانندگان و مخاطبان این تحلیل علت را بدانند، توضیح مختصری می‌دهیم.

«هید نوری ساتو» رئیس دفتر روزنامه ژاپنی «یومیوری» یک هفته قبل از برگزاری انتخابات، بنا عده‌ای از شخصیت‌های سیاسی و محافل حامی و نزدیک به دو کاندیدای اصلی مصاحبه کرده بود. او در آخرین مرحله برای گفتگو با سردبیری «گزارش» وقت ملاقات خواست و ما با این شرط که رعایت دقت در نقل اظهارات بشود با این گفتگو موافقت کردیم. قرار بود این گفتگو حدود ۱۵ دقیقه طول بکشد اما خیلی به درازا کشید.

بخشی از این گفتگو را ذیلماً می‌آوریم:  
ساتو- برنده انتخابات چه کسی است؟  
- آقای سید محمد خاتمی.

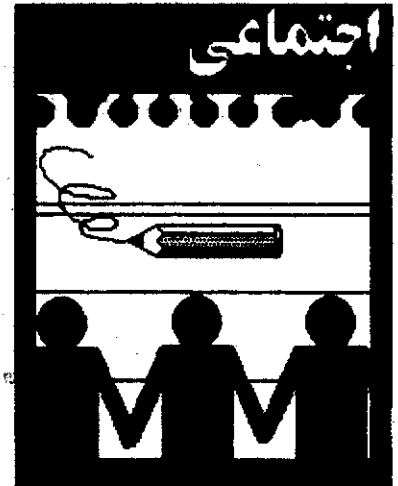
ساتو (با حیرت)- ولی حتی بسیاری از طرفداران آقای خاتمی که من با ایشان مصاحبه کرده‌ام با چنین قاطعیتی اظهار نظر نکردند. تا جایی که می‌دانم شما

کردن سریع شکاف طبقاتی، قانونمند کردن کارکرد سازمانهای اقتصادی و خدماتی دولتی و...  
شیوه برگزاری انتخابات و نتایج آن مورد تفسیرها و تعبیرهای گوناگونی قرار گرفت. از تفسیرهای قهوه‌خانه‌ای گرفته، تا تفسیرهای علمی و کارشناسانه سازمانهای اطلاعاتی خارجی. در این میان، البته رسانه‌های داخلی علت اقبال عمومی از این انتخابات و رای بسالای مردم به آقای خاتمی را به صورت کلیشه‌ای و شعاری مورد تحلیل قرار دادند. این نوع تحلیل از سوی رسانه‌ها و افراد طرفدار آقای خاتمی اگر غیرطبیعی جلوه نمی‌کرد، اما شنیدن و خواندن چنین مطالبی از زبان و قلم کسانی که تا آخرین ساعات روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت (پایان زمان قانونی تبلیقات انتخاباتی)، انتخاب آقای خاتمی را خطری برای نظام، انقلاب و کشور جلوه می‌دادند نامأنوس و غیرقابل هضم می‌نمود. ای کاش تحلیل‌ها و تفسیرهای این گروه اندکی با تحلیل و تفسیرهای طرفداران آقای خاتمی تفاوت داشت!

اما در نقطه مقابل، تحلیل‌های قهوه‌خانه‌ای یا تفسیرهای بیگانگان از این انتخابات و نتایج آن قرار دارد. لب لباب این تحلیل‌ها و تفسیرها این بود که مردم ایران از شرایط کنونی خسته شده‌اند، و در واقع آرای ایشان به آقای خاتمی اعتراض به کل اوضاع است. بیانییم و بجای رد کردن این ادعاها، چند پرسش را مطرح کنیم:

- برای اعلام اعتراض راه دیگری وجود نداشت؟ مثلاً مردم در انتخابات شرکت نکنند؟ یا اگر شرکت می‌کنند رأی سفید به صندوقها بیندازند؟ یا نام کاندیداهای رد صلاحیت شده و یا سیاسیون خارج از قدرت را بر ورقه‌ها بنویسند یا...

واقع امر این است که اگر کسی- ولو شخصی از مخالفان حاکمیت کنونی ایران- بخواهد از این انتخابات و نتایج آن برداشت نسبتاً صحیحی داشته باشد باید به نیمه پر لیوان بنگردد و ببیند. اگر چنین



محمد حیدری

### مقدمه

هفتمین انتخابات ریاست جمهوری ایران با نتیجه‌ای که کسی را انتظار تحقق آن نبود، پایان یافت. بیست و نه میلیون و هفتصد و شصت هزار ایرانی رأی دادند. از این تعداد رأی، بیش از بیست میلیون آن بنام آقای سید محمد خاتمی ریخته شد که در دنیای سیاست رأی قاطع و فراگیری محسوب می‌شود و می‌تواند دارنده چنین پشتوانه‌ای از حمایت عمومی را در انجام اصلاحات و برنامه‌های مورد نظرش پاماری دهد. اما از سوی دیگر، این خیل عظیم رأی‌دهنده می‌توانند عامل ترمزکننده‌ای هم باشند، و این وضعیت در صورتی حادث خواهد شد که رأی‌دهندگان، بدون در نظر گرفتن محدودیت‌ها و مشکلاتی که در برابر رئیس جمهور منتخب ایشان قرار دارد، از او انتظار انجام کارهای معجزه‌آسای قریب الوقوع داشته باشند. کارهای معجزه‌آسانی چون حل یک شبه مشکل بیکاری، توقف عاجل تورم، پر

یک نشریه حرفه‌ای هستید و به سود هیچ یک از کاندیداها عمل نمی‌کنید، بنابراین چنین اظهار نظر قاطعی عجیب نیست؟ دلایلتان چیست؟

- اظهار نظر ما را چندان هم قاطع تلقی نکنید. براساس شرایط حاضر، و براساس شواهد موجود، ما معتقدیم احتمالاً انتخابات به دور دوم می‌رسد و در دور دوم شانس انتخاب آقای خاتمی را بیشتر می‌دانیم.

ساتو- ولی مجموعه عوامل چیز دیگری را نشان می‌دهد. ترکیب حامیان آقای ناطق نوری و امکاناتی که در اختیار ایشان است؛ از جمله رادیو-تلویزیون و مطبوعات منتقد، و نیز جایگاه وی در مجلس که از پشتیبانی اکثریت نمایندگان برخوردار است و... چنین اظهار نظری را غیر منطقی جلوه می‌دهد.

- همینطور است. اما در این میان نکاتی هست که مورد توجه قرار نگرفته... بگذارید به برخی از این نکات توجه کنیم. اول بافت جمعیتی ایران است. بافت جمعیتی ایران بر خلاف ۲۰ سال پیش از دو بابت تغییر کرده؛ یکی این که نسبت شهرنشینان و روستائیان عکس شده است. و دوم این که جمعیت ایران اکنون جوان است. طبق آمار اولیه سرشماری سال گذشته، ایران کمی بیش از ۵۹ میلیون نفر جمعیت دارد. از این عده ۱۱ میلیون نفر در استان تهران زندگی می‌کنند و باید بدانید در تهران دیگر ما روستاهایی با مشخصات بیست-سی سال پیش نداریم. ساکنان معدود روستاهای باقیمانده هم، چون دائماً و روزمره با مردم شهرنشین دز تماسند خوی شهرنشینان را یافته‌اند. لذا تقریباً از هر ۵/۵ ایرانی یک نفر در تهران زندگی می‌کند. جمعیت شهرهایی مثل شیراز-اصفهان-تبریز-اهواز-مشهد هم از مرز ۱ و ۱/۵ و حتی ۲ میلیون گذشته. بنابراین بافت جمعیتی کشور، شهرنشینان هستند و اکثر آنها را هم جوانان تشکیل می‌دهند. موضوع دیگر، شیوه تبلیغات طرفداران دو طرف است که در غوغای کنونی کسی به آن توجه ندارد. (خوانندگان توجه دارند آمار ارائه شده در این قسمت مربوط به نتایج اولیه سرشماری سال ۷۵ بوده است. به موجب آماري که یک هفته بعد از انتخابات منتشر شد، جمعیت ایران فراتر از ۶۰ میلیون نفر است که ۱۸/۶ درصد آن در تهران زندگی می‌کنند.)

ساتو- ولی مقدمات کار برای آقای ناطق نوری از

## آقای خاتمی ناگزیر باید در مقابل جناحهای مختلف انعطاف‌هایی نشان دهد، اما انعطاف‌ها نباید در حدی باشد که امید انجام اصلاحات را منتفی کند

مدتها پیش مساعد شده ولی آقای خاتمی مدت کمی است که به عرصه آمده است. حداقل، زمان به سود آقای خاتمی نیست.

- بله! درست است. اگر کسی جز آقای خاتمی در مقابل آقای ناطق نوری قرار می‌گرفت این داوری درست بود. اما آقای خاتمی عملکردی در گذشته دارد که دستمایه عوامل ساماندهی تبلیغات انتخاباتی وی شده است. البته ایشان یک روحانی پای بند به اصول اسلام شیعه، و از مدافعان تعالیم بنیانگذار جمهوری اسلامی و رهبر کنونی کشور است. اما جزو آن گروه از روحانیون ایرانی است که گرچه معتقدند از اصول نباید حتی یک گام عقب‌نشینی کرد، ولی بر لزوم اعتنای جدی‌تر به حقوق مردم در یک جامعه مدنی-آزادیهای اجتماعی و فردی، قانونمند شدن روابط حکمرانان با حکم پذیران و... و امور دیگری از این قبیل که آنها را در تعارض با احکام اسلام هم نمی‌دانند، اصرار دارند. و ساماندهان امور تبلیغاتی آقای خاتمی با تکیه بر همین اختصاصات توانسته‌اند افکار عمومی را به سود وی تغییر دهند.

ساتو- منظور حجاب اسلامی، آزادی روابط به سبک غربی و... است؟

- ایداً. البته اخیراً بازار شایعات داغ است. می‌گویند اگر ناطق نوری برنده شود پوشیدن چادر را اجباری خواهد کرد، اما اگر خاتمی بر سر کار آید به مردم و جوانان آزادیهای مطلوب اعطا می‌کند. نه شایعه اولی صحیح است و نه شایعه دومی... توجه داشته باشید جامعه ایران یک جامعه سنتی و

سنت‌گراست. برای آنکه سنت‌گرایی جامعه ایران با سوء تعبیر مواجه نشود باید توجه داشته باشید حتی اکثریت فرهیختگان و دانشگاه رفته‌های ایران هم توسعه و پیشرفت را مرادف با فداکردن ارزشهای اخلاقی-مذهبی و ملی نمی‌دانند. مثل خود شما ژاپنی‌ها که تا همین اواخر علی‌رغم پیشرفت‌های غول‌آسای صنعتی، از سنت‌ها و باورهای ملی خودتان متعصبانه دفاع می‌کردید.

جز معدودی ایرانی، بقیه خواهان رفتارهای ناهنجار جوامع غربی و صنعتی نیستند. اشتباه خارجی‌ها، و متأسفانه اشتباه برخی از رهبران ایران این است که رفتار عده‌ای اندک را به حساب کل جامعه می‌گذارند. نه، نباید در این مورد اشتباه کرد. شما نه اعمال گروه‌های فشار را ملاک

قضاوت قرار دهید و نه شایعاتی را که در مورد آزادی توأم با بی‌بندوباری منتشر می‌شود. ساتو- پس قضیه چیست؟

- داستان از این قرار است که آشوبهای گریزناپذیر بعد از انقلاب، مشکلات دوران جنگ هشت‌ساله عراق علیه ما و نابسامانیهای ناشی از اجرای شتاب‌آلود آزادسازی اقتصادی اثرات منفی زیادی بر جنبه‌های مختلف زندگی ایرانیان گذاشته است. یکی از این فشارها نامشخص بودن شرایط فرهنگی کشور است. دیگری ایجاد شکاف طبقاتی است. دیگری ناشی از بی‌کاری خصوصاً برای جوانان است. دیگری رواج فساد در بدنه‌ای از ساختار اداری کشور است و موارد دیگری از این قبیل... مردم خواهان اصلاح این امور هستند. حالا در این شرایط، طرفداران آقای خاتمی اتکای تبلیغاتی خود را بر همین امور گذاشته‌اند. آنها وعده اصلاحات می‌دهند. وعده اصلاحات در اموری را می‌دهند که شاید مسئول ایجاد نابسامانی در آنها خودشان باشند. اما تبلیغات آنها مستکی بر روان‌شناسی اجتماعی، قانونمندیهای جامعه‌شناسی و تبلیغات روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه است، در حالی که طیف مقابل همان شعارها و شیوه‌های تبلیغاتی را به کار می‌گیرد که بیست سال پیش کارایی داشت ولی حالا ندارد. بطور خلاصه، ارزیابی یک طرف این انتخابات از افکار عمومی، مبتنی بر اصول علمی و واقع‌گرایانه و منطبق با شرایط کنونی جامعه ایران است، و ارزیابی طرف دیگر که اتفاقاً امکانات بیشتری هم در اختیار دارد، از

چنین واقعیتی نهی است. حتی می‌توانیم بگوئیم آنگاه غرورآمیز صف مخالفان انتخاب آقای خاتمی به کارآئی امکانات و روش‌های تبلیغاتی‌شان به ضرر خودشان تمام شده است.

ساتو- بنابراین آقای خاتمی اگر پیروز شود مجبور است با کسانی کار کند که خودشان مسئول برخی نابسامانی‌ها هستند؟

- آقای خاتمی اعلام کرده فرا جناحی عمل خواهد کرد و وام‌دار هیچ گروهی نیست.

ساتو- چهار ماه است آقای خاتمی وارد عرصه انتخابات شده. اکنون موقعیت وی در چه حد است؟

- اگر عدد مطلوب را ۲۰+ و عدد نامطلوب را ۲۰- فرض کنیم، قبل از ورود آقای خاتمی به صحنه،

موقعیت آقای ناطق نوری ۱۸+ بود. با آمدن آقای خاتمی به صحنه موقعیت آقای نوری ۱۶+ و موقعیت

آقای خاتمی ۴- بود. روند تبلیغات انتخاباتی اکنون این موقعیت را به جانی رسانده که می‌توان گفت هر دو نفر

در شرایط مساوی قرار دارند و اگر وضع بر همین منوال بماند انتخابات به دور دوم خواهد رسید که در

آن صورت طرفداران آقای خاتمی فرصت خواهند داشت کفه ترازو را به نفع وی سنگین کنند.

ساتو- و آیا وضع همینطور باقی خواهد ماند؟

- مثل هر انتخابات دیگری ممکن است در آخرین لحظات تغییر غیرمنتظره‌ای رخ دهد که وضع را

دگرگون کند، اما شرایط کنونی به ما می‌گوید رئیس جمهور آینده ایران آقای خاتمی است و نه آقای ناطق نوری.

## مدخل

چنانچه بپذیریم تبلیغات حساب شده و علمی گروه‌های حمایت کننده از آقای خاتمی اگر نه علت اصلی، بلکه دست کم یکی از علل عمده جلب آن آرای

قاطع به سود ایشان بوده، لاجرم باید اذعان کنیم مقوله‌ای به نام افکار عمومی را باید از این پس خیلی

جدی تر گرفت. طبیعی است شخصیت آقای خاتمی و عملکرد گذشته ایشان در مؤثر واقع افتادن این

تبلیغات اثر مهمی داشته است. همچنین حمایت گروهی از روحانیان صاحب نام و اعتبار، و نیز

شخصیت‌های سیاسی- مذهبی از آقای خاتمی را باید در محاسبات مربوط به پیروزی قاطع ایشان مدخلیت

داد. اما از آن سو، فراتر از ۲۰ میلیون رأی را نباید فقط معلول همین عوامل دانست، خاصه این که در چند

انتخابات اخیر عده رأی دهندگان روند نزولی داشته و رشد جمعیت جوان جامعه هم چندان نبوده است که

فاصله تعداد آراء این دوره با چند انتخابات اخیر را پر کند. (مقایسه کنید آرای ۱۶۷۰۰۲۵۰ نفری انتخابات دوره ششم را با آرای ۲۹۷۶۰۰۰۰ نفری دوره هفتم انتخابات ریاست جمهوری).

آنچه باعث حضور گسترده مردم، و از جمله اقشار خاموش و بی‌تفاوت شد چه بوده است؟

اگر برای این پرسش پاسخی منطقی و خالی از داوریه‌های جناحی بیابیم استمرار انقلاب و استقلال و

پیشرفت کشور و به روزی هموطنانمان را بیمه کرده‌ایم.

خاطره و حافظه تاریخی مردم و حتی ناراضیان مبین دوست موجب شد در انتخابات حضور یابند تا

شکست‌ها و ناکامی‌های انقلاب مشروطیت و نهضت ملی دوران شادروان مصدق تکرار نشود. مردم گفتند،

و با آرای خود گفتند، با وجود تنگناها و فشارهای موجود و ناراضی‌های ناشی از ایجاد شکاف طبقاتی،

تورم، فساد اداری و... نمی‌خواهند این قبیل موربانه‌ها بنیاد استقلال، آرامش و سرفرازی کشورشان را نابود

کنند. مردم هنوز خاطره هشت سال جنگی را که با هدف تجزیه ایران به آنها تحمیل شده بود فراموش

نکرده‌اند و می‌دانند دشمن در پشت مرزها به کمین نشسته است.

ناخودآگاه ضمیر اجتماعی ایرانیان، ایشان را به پای صندوق‌های رأی کشاند تا بگویند ما همچنان به

میثاق‌های انقلاب سال ۱۳۵۷ وفاداریم و خون شهدای این انقلاب را پاس می‌داریم، اما...

اما خواهان رسیدن به همان آرمانهایی هستیم که پایه‌های انقلاب بر آنها استوار شده بود. پس به کسی رأی می‌دهیم که وعده داده است در راه تحقق آن آرمانها گام بردارد. آنها به کسی رأی دادند که دیدگاه و باور خود را چنین تبیین کرده بود:

**دولت‌نامه همه‌دلسوزان و علاقمندان نظام اسلامی را این می‌داند که همگی به فرادای بهتر برای ایرانی آزاد، آباد و مستقل و جامعه‌ای مطمئن در چارچوب قانون و به دور از خودسری و قانون شکنی و سرشار از معنویت و متکی بر عدالت بپردازیم.**

بسر این اساس، گفتار کسانی که می‌گویند غرب‌زدگان، رپ‌ها و پانکها و مشت‌فرب خورده

بی‌هویت سرنوشت این انتخابات را رقم زده‌اند همانقدر ضعیف است که تحلیل مفسران و تحلیل‌گران

خارجی یا سرسپرده‌ای که می‌کوشند وانمود سازند این حضور گسترده بمانند اعلام هشدار بوده است.

پیغام شرکت‌کنندگان در هفتمین انتخابات جمهوری ساده، قابل فهم و در بردارنده خواسته‌های

منطقی و شدنی است. مردم پیام دادند همان نیروی لایزالی که توطئه تجزیه ایران را طی هشت سال جنگ

تحمیلی خنثی کرد اکنون آماده است رئیس جمهور تازه نفس را برای استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی

و استمرار آن قسمت از برنامه‌های سازندگی که منطقی است پاری دهد. صدای پیام کسانی که از رد صلاحیت

شدن عده‌ای از نامزدهایی که واجد شرایط پیش‌بینی شده در قانون اساسی برای احراز پست ریاست



زنان ایران از عمده‌ترین قشرهای رأی دهنده به آقای خاتمی بودند. اکثریت زنان ایرانی با عقایدی که فمینیست‌ها تبلیغ می‌کنند میانه‌ای ندارند. زن ایرانی هنوز ستون اصلی خانواده محسوب می‌شود و فقط خواهان حقوق شرعی و قانونی خود، و بر خورداری از امکانات تضمین شده برای حضور بی تبعیض در عرصه‌های مختلف کار و زندگی است.

جمهوری بودند، ناخشنودند. نیز در این غریب همگانی به گوش می‌رسید. اطلاع موق داریم جز گروهی که اعلام کرده بودند رأی سفید به صندوق خواهند ریخت، بقیه گروه‌های سیاسی که خود را مغفون و حق خویش را ضایع شده می‌دانند، در این انتخابات شرکت کردند و نامی را بر ورقه رأی نوشتند.

### آرایش نیروها

دوازدهم اسرداد آینده حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی تنفیذ می‌شود و ایشان سپس در منجلس حضور می‌یابد تا دولت خویش را معرفی کند. ترکیب این دولت چگونه خواهد بود؟ آقای

خاتمی می‌تواند معاونان و وزاری خویش را حسب تشخیص و تمایل خود برگزیند؟ یا زیر فشارهایی قرار خواهد گرفت و ناگزیر کسانی را که با آنها اشتراک سلیقه ندارد نیز وارد هیأت دولت خواهد کرد؟ آقای خاتمی بارها، و با صلابت اعلام کرده است در صورت انتخاب شدن فراجناحی عمل خواهد کرد و وام‌دار هیچ گروهی نخواهد شد. اما در دنیای سیاست خیلی بیش از سایر عرصه‌ها، خواستن امری است و توانستن امری دیگر. پس اگر ایشان ناگزیر در مواردی انعطاف نشان دهد نباید آن را عدول از مواضع اعلام شده تعبیر کرد. ولی البته این انعطاف تاجانی طبیعی و منطقی است که ترکیب کابینه به شکلی در نیاید که امید انجام هرگونه اصلاحاتی را ضعیف یا کاملاً منتفی کند.

میزان موفقیت آقای خاتمی در تشکیل یک کابینه نسبتاً مطلوب منوط به برخورد نیروهای صاحب نفوذ و جناح‌های سیاسی با ایشان در مقوله ترکیب هیأت وزیران است. برای شناخت ترکیب این نیروها و تشخیص آرایش آنها تحلیلی کوتاه ارائه می‌دهیم.

مهم‌ترین گروه‌هایی که در جریان انتخابات از رقیب آقای خاتمی، یعنی آقای ناطق نوری حمایت می‌کردند و هم‌اکنون از لحاظ حرف سیاسی نیز باید آنها را دست‌کم متقدیم‌ین عملکرد دولت آینده آقای خاتمی تلقی کرده عبارتند از: جامعه روحانیت مبارز و تشکل‌های همسو. این تشکل‌های همسو نیز به نوبه خود شامل طیفی از جسر یانات سیاسی مختلف است که پرسیافته‌ترین و شاخص‌ترین آنها جمعیت مؤتلفه اسلامی محسوب

## با آنکه ۲۰۰ نماینده طی بیانیه‌ای حمایت خود را از آقای خاتمی اعلام کردند اما نتیجه انتخابات هیأت رئیسه مجلس نشان داد که قوه مقننه می‌تواند محل چالش بین جناح‌های سیاسی مختلف باشد

می‌شود و شخصیت‌هایی چون آقایان حبیب‌الله عسگر اولادی و یادامچیان جزو رهبران آن محسوب می‌شوند. بقیه گروه‌های وابسته به تشکلهای همسو عبارتند از: جامعه و عیاض تهران - جامعه اسلامی مهندسین (که در تعدادی از شهرهای مهم کشور هم شعبه دارد) - جامعه اسلامی دانشگاهیان - جامعه اسلامی کارگران - جامعه انجمن‌های اسلامی بازار و اصناف تهران - جامعه زینب (س) - جامعه اسلامی فرهنگیان - انجمن اسلامی پژوهشگران و جامعه اسلامی کارمندان

صدا و سیما در جریان مبارزات انتخاباتی بیشتر متمایل به معرفی کاندیدای این طیف سیاسی بود. اگر فرض بگیریم رادیو و تلویزیون در آینده در خدمت دولت قرار می‌گیرند، و یا دست کم روش بی‌طرفانه‌ای پیشه خواهند کرد، باز این گروه برای اطلاع رسانی و افکار عمومی سازی مطبوعات گوناگونی را در اختیار دارند که شاخص‌ترین آنها روزنامه رسالت و نشریه «جام» (ارگان جامعه اسلامی مهندسین) و «شما» (ارگان جمعیت مؤتلفه اسلامی) است که همه جنبه ارگانی دارند. روزنامه کیهان نیز که ظاهراً مواضع خود را بی‌طرفانه اعلام می‌کند حداقل از لحاظ عقیدتی متمایل به آرای این طیف است.

مهم‌ترین گروه‌هایی که در جریان انتخابات از آقای خاتمی حمایت می‌کردند عبارتند از مجمع روحانیون مبارز - جمعی از کسارگزاران سازندگی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که جایگاه آن‌را می‌توان نقطه مقابل جمعیت مؤتلفه اسلامی دانست و شخصیت‌هایی چون آقایان بهزاد نبوی و محمد سلامتی از رهبران آن

محسوب می‌شوند. این گروه‌ها برای پیام‌رسانی روزنامه سلام، نشریه عصر ما و هفته‌نامه مبین را به عنوان ارگان در اختیار دارند. روزنامه اطلاعات نیز در این طیف همان نقشی را ایفا می‌کند که روزنامه کیهان در طیف مقابل.

در مورد طرفداران آقای خاتمی باید گفت اینان در برخی مواضع با هم اختلاف دیدگاه ریشه‌ای دارند که مهم‌ترین نظرگاه‌های مورد اختلاف مربوط می‌شود به ۱ - برنامه آزادسازی اقتصادی ۲ - سیاست خارجی و ۳ - تعریف از عدالت اجتماعی

می‌دانیم جریانی که به «جمعی از کارگزاران سازندگی» معروف شده، در واقع نماینده جریان بزرگتری است که می‌توان آن را طرفدار لیبرالیسم

اقتصادی نامید. اینان طی هشت سال گذشته همان راه - کارهایی را در مورد اقتصاد ایران به اجرا گذاشتند که مورد پسند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است.<sup>(۱)</sup>

حذف سوبسیدها - آزادسازی نرخ ارز (که البته مدت کوتاهی اعمال شد و عواقب مصیبت‌باری به بار آورد) - تعدیل نیروی انسانی - آزادسازی تجارت (که مدتی به صورت بازگذاشتن دروازه‌های وارداتی کشور اجرا شد و باز هم عواقب مخربی برجا گذاشت) - خصوصی سازی (که هم اکنون در قالب واگذاری واحدهای تحت مالکیت دولت جریان دارد و چگونگی اجرای آن مورد ایراد خیلی‌هاست) - دریافت اعتبار و خریدهای نسبه از خارج، ایجاد مناطق آزاد تجاری و...

نکته در خورد کردن این که طیف طرفدار آقای ناطق نوری هم در آغاز به این برنامه‌ها روی خوش نشان داد، اما بتدریج به مخالفت با برخی از این برنامه‌ها برخاست و اکنون خود منتقد اصلی این برنامه‌هاست. اما از آن سو، رقیب این طیف، یعنی مجمع روحانیون مبارز و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از همان آغاز با برنامه‌های آزاد سازی اقتصادی مخالفت کرد و آن‌را مغایر اهداف انقلاب و در تضاد با مصالح جامعه ایرانی دانست. این طیف هنوز هم از مواضع خود عدول نکرده است.

بر اساس این تعریف، می‌توان شرایط زیر ترسیم کرد:

۱ - جامعه روحانیت مبارز و طرفداران آن (جمعیت مؤتلفه اسلامی و...) با روند آزادسازی

اقتصادی مخالفند. مجمع روحانیون مبارز و طرفداران آن (خصوصاً سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) هم با این روند مخالفند. آیا این پدیده را می‌توان فصل مشترکی دانست که شاید سبب شود این دو گروه مواضع خود را بهم نزدیک کنند. پاسخ، خیر است؛ زیرا هر دو گروه، از حاکمیت سرمایه‌داری در کل، تعاریف متضادی دارند، مثلاً طرفداران روحانیون مبارز حامیان روحانیت مبارز را متهم می‌کنند طرفدار حمایت بی‌قید و شرط از بازاریان هستند. بر این ایراد اتهاماتی نظیر «تمامیت‌خواهی»، «تظاهر به طرفداری از ولایت فقیه و نه تعهد قلبی به آن»، افزوده می‌شود. طرف مقابل نیز همین ایرادها را به رقیب برمی‌گرداند.

## جناح‌های سیاسی مختلف رقبای خود را متهم به «تمامیت‌خواهی» می‌کنند، اما اگر نیک بنگریم همه آنها کما بیش دچار آفت «تمامیت‌خواهی» هستند

ادغام در اقتصاد جهانی را نپذیریم. چنین باوری طبعاً به معنی عدول از بسیاری از اصول سیاست خارجی خواهد بود. و این موضوعی است که خیلی از نیروها حتی حاضر نیستند راجع به آن حرفی بشنوند.

۳- کارگزاران سازندگی، طیف وسیع و نیرومندی از تکنوکرات‌ها، صاحبان برخی پست‌های کلیدی و دارندگان توانمندیهای اقتصادی بسیاری هستند. مواضع این گروه، هم با طیف اول و هم با طیف دوم از بسیاری جهات در تعارض است. روزنامه همشهری، یک کانال تلویزیونی و چند نشریه دیگر بخشی از ابزار تبلیغی و اطلاع‌رسانی این گروه را تشکیل می‌دهد. آنها توانمندیهای بسیاری در جهت دادن به افکار عمومی دارند و از

آخرین پدیده‌های علمی و تکنیکی به بهترین و حساب شده‌ترین شیوه‌ها بهره می‌گیرند.

۴- در کنار این سه نیروی مطرح، نیروهایی هم هستند که پشتوانه‌های مادی و معنوی نیرومندی دارند و هر یک به نحوی می‌توانند در تعیین سرنوشت دولت آقای خاتمی اثر بگذارند. ما نمی‌توانیم توانمندیهای نهادهایی نظیر مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان، بنیادهایی چون بنیاد مستضعفان- آستان قدس رضوی- بنیاد پانزده خرداد- بنیاد شهید و... و شخصیت‌های متولی امور آنها را در اثرگذاری بر تصمیمات نادیده بگیریم.

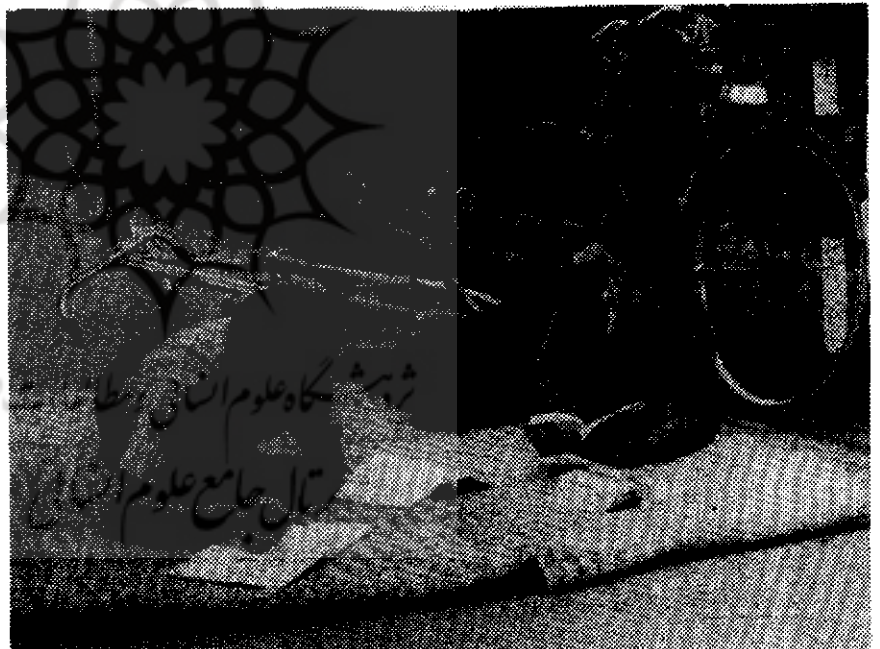
### سهام طلبی در دولت

در چنین شرایطی است که آقای خاتمی باید هیأت وزیران خود را به مجلس معرفی کند و از آن رأی اعتماد بگیرد. مجلسی که خود ترکیبی شگفت‌انگیز و فعلاً غیرقابل ارزیابی دارد.

چند روز پس از اعلام نتایج انتخابات، دو دست نماینده (اکثریت) طی بیانیه‌ای اعلام کردند از آقای خاتمی همه جانبه حمایت خواهند کرد. اما چند روز بعد، در زمان تجدید انتخاب هیأت رئیسه مجلس، نتایج این انتخابات نشان داد چنان حمایتی همه جانبه نیست. پیش‌بینی‌هایی که چنین می‌نمود از توافق جناح‌ها نشأ گرفته، حکایتی می‌گردد که رئیس مجلس همچنان آقای ناطق‌نوری خواهد بود، اما اسناب رئیس و برخی از منشی‌ها و کارپردازان از بین نمایندگان جناح روحانیون مبارز و یاحداً قبل از طرفداران آقای خاتمی انتخاب می‌شوند. اما روز یازدهم خرداد وقتی نتایج این

رفسنجانی را نیز شامل می‌شدند دارای چنان علائق و منافع در این روند هستند که قابل احصاء نیست. برخی از افراد وابسته به این گروه تا بدانحد در عقاید خود راجع به درستی آزادسازی اقتصادی ثابت قدم

۲- مجمع روحانیون مبارز با «جمعی از کارگزاران» در جریان هفتمین انتخابات ریاست جمهوری ائتلاف کردند. می‌توان فرض را بر این گذاشت که طرفین در عقاید خود تعدیل ایجاد



حضور پر شور جوانان به طرفداری از آقای خاتمی نشان‌دهنده امیدهای آنان نسبت به عملکرد رئیس جمهور منتخب است. رفع مشکلات تحصیل، اشتغال، ازدواج و بر خورداری از امکانات مساوی در این زمینه‌ها از اقسام وعده‌هایی بود که آقای خاتمی در جریان مبارزات انتخاباتی خویش می‌داد. نسل جوان به تحقق یافتن این وعده‌ها امید بسیار دارد.

هستند که اگر زمان و مکان مقتضی باشد پروا نمی‌خواهند کرد که رسماً اعلام کنند ما باید ضرورت

کرده‌اند؟ البته پاسخ منفی است. طرفداران آزادسازی اقتصادی که بخش مهمی از تیم کاری آقای هاشمی

انتخابات انتشار یافت، معلوم شد در هیأت  
رئیس آن تغییری که مورد انتظار بود حاصل  
نشده است.

در هفتمین دوران روزنامه های ارگان  
جناح های مختلف و با وابسته به آنها مطالبی  
را در مورد «بایداه» و «نبایداه» ترکیب  
هیأت دولت آقای خاتمی مطرح می کردند که  
بنا بر سطح توقع آنها از ترکیب قدرت بود.  
مسئله تنش با طیف های متقابل نشان  
می دهد سطح توقع هیچک، با حداقل  
مورد قبول طرفهای دیگر مطابق ندارد.  
زمانی که این تحلیل نگاشته می شد

## خواستهای شرکت کنندگان در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری ساده، قابل فهم، منطقی و انجام شدنی است

نیز با تردید در مورد صداقت  
وعده دهندگان مواجه می شوند و نتایج  
چنین تردیدی قابل حدس زدن نیست.  
ساده ترین حاصل این تردید می تواند  
بی تفاوتی عمومی باشد، و وای بر کشوری  
چون ایران که اکثریت آن خاموش باشند.  
حضور سی میلیون نفر در صحنه  
مقتضی انتخابات ریاست جمهوری نشان  
داد که در شرایط کنونی اکثریت قاطع مردم  
ایران هوشیار و سخنگو هستند و  
توقعاتشان را از رهبرانشان در قالب یک  
انتخابات آرام بیان می کنند.

ایسن سوهی است که نباید آن را فدای  
خوشتن خواهی، زیاده خواهی و تمایب خواهی کرد.  
همه جناح ها یکدیگر را به تمایب خواهی متهم  
می کنند (برخی غلیظ تر و برخی رقیق تر). ما به عنوان  
نشریه ای مستقل، اما شدیداً علاقمند به تحقق اهداف  
واقعی انقلاب و سرفرازی ملت ایران ناگزیریم یادآور  
شویم آفت تمایب خواهی با شدت و ضعف در همه  
این جناحها وجود دارد.

دولت آینده باید زمینه ساز تحقق آرزوهای مشروع  
مردم ایران باشد ایرانی که در یکی از آشوب زده ترین  
مناطق جهان واقع شده و در شرق-غرب و جنوب آن  
کانونهای جدی بحران دایر است و نسبت به شمال آن هم  
نمی توان بی تفاوت ماند، چرا که منابع نفتی این منطقه هم  
اکنون تمارضهایی را ایجاد کرده است.<sup>(۲)</sup>

آقای خاتمی دو صورتی می تواند فرا جناحی عمل  
کند و به نیازهای مشروع جامعه پاسخ دهد که جناحهای  
مخالف و موافق، مصالح ملی را مقدم بر منافع و تمایلات  
و داورهای شخصی و جناحی بشمارند و همه تابع  
قانون و رأی اکثریت باشند و رفتارهای خود را هم  
قانونمند کنند.

آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد بستگی به این نکته  
حساس دارد که جناح های سیاسی اصلی کشور دلایل  
حضور گسترده مردم در هفتمین انتخابات ریاست  
جمهوری و رأی ۲۰ میلیونی مردم به آقای سید محمد  
خاتمی را از یاد نبرده باشند.

همه جناح های سیاسی، نیت اصلی خود را  
پیروی از رهبری، تداوم عظمت انقلاب و ایران، و  
توسعه و پیشرفت کشور ذکر می کنند، بنابراین باید این  
اصل بدیهی را از نظر دور ندارند که اگر قرار باشد  
اوقات و توانمندیهای آقای خاتمی صرف مجادله،  
چانه زدن و مجاب کردن گروههای مختلف شود،  
دیگر ایشان مجال برای تحقق بخشیدن به اهداف  
مشترک همین گروهها و نیز به انجام رساندن حداقلی  
از خواستهای برحق رأی دهندگان نخواهد داشت.

روحانیت مبارز- روحانیون مبارز- جمعیت  
مؤتلفه اسلامی- جمعی از کارگزاران سازندگی-  
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی- جمعیت دفاع از  
ارزشها و سایر گروههای سیاسی، در دولتهای نوزده  
ساله اخیر حضور و نقش داشته اند. همه آنها از این  
حضور تجارب و خاطرات آموزنده ای دارند که رجوع  
به آنها می تواند در تعدیل مواضعشان مؤثر باشد.

حساب موفقیتها و کامروائیهها جدا... اما اگر نیک  
بگیریم خود را با انبوهی از مشکلات در زمینه های  
مختلف اقتصادی- اجتماعی- فرهنگی- سیاست  
داخلی و سیاست خارجی مواجه می بینیم که حاصل  
سوء مدیریتها، افراطها، فریطها، سلیقه گراییها و  
بعضاً رفتارهای جزمی و در مواردی هم غرض ورزی  
و نفخ طلبی شخصی و گروهی بوده است.

همه این مشکلات را برای همیشه نمی توان به  
توطئه های استکبار نسبت داد.  
شعارها و وعدهها هم تاریخ مصرف دارند، وقتی  
این تاریخ به نقطه انقضا رسید با حسن نیت ترین افراد

هنوز عمق انتظارات و امیدهای طرفین مشخص نشده  
بود و شاید تا زمانی هم که این شماره ماهنامه منتشر  
شود هنوز وضعیت صفارانی های طیف های سیاسی  
کاملاً شکل نگرفته باشد.

اما نکته نویسی و حاشیه نگاری های نشریات  
رژگان جناحهای مختلف نشان می دهد همه آنها  
متوجهند در ترکیب دولت آینده سهمی در خور داشته  
باشند. اشاره یک روزنامه به این نکته که هیأت دولت  
شیرکته سهمی نیست، و پاسخ روزنامه جناح رقیب  
گوشمهای از کشاکشهایی را که در صحنه قدرت  
جریان دارد و فعلاً پرده اکران مانع مشاهده تمام  
حرکات جاری در این صحنه است، نشان می دهد.

نکته جالبتر، و در عین حال تأسفانگیز آنکه  
جناحهای مختلف سیاسی، حتی یک جناح از حامیان  
انتخاباتی رئیس جمهور منتخب می گویند چهره ای از  
وی را به تصویر در آورند و یا نیانی را به ایشان القاء  
کنند که دقیقاً با انگیزههایی که سبب حضور گسترده و  
بی سابقه مردم در صحنه انتخابات شد، مغایرت دارد.  
به عنوان شاهد: یک روزنامه با تمسک به سوابق  
فرهنگی آقای خاتمی و عملکرد ایشان در این عرصه  
می گویند چنین القاء کند غایت انتظاری که می توان از  
رئیس جمهور منتخب داشت ایجاد تحولاتی در  
عرصه فرهنگی است و پس! روزنامه ای دیگر در  
پاسخ به این اظهار نظر، طی سلسله مقالاتی اقتصاد را  
اولویت اول می داند و می نویسد «این مهم ترین  
رسالت و اولویت رئیس جمهور در گزینش اعضای  
کابینه خود است!»

اگر چنین نوشتههایی فقط در حد اظهار و توصیه  
باشد ایرادی بر آنها وارد نیست و موجب نگرانی هم  
نمی شود. اما به دلیل آنکه از برخی این نوشتهها بوی  
«تعیین تکلیف» استشمام می شود، نمی توان نسبت به  
چنین جبهه گیریهایی با حسن ظن برخورد کرد.

بی نوشتن

۱- در این مورد رجوع شود به مقاله «سازمان برنامه ما و منشور  
اجتماعی جهانی» و خصوصاً بی نوشتنهای آن در صفحات ۷ تا ۱۰  
شماره ۵۸ همین ماهنامه.

۲- در این مورد بنگرید به مقالات و معادلات جدید جهانی و  
منطقه ای، جایگاه بایسته ایران کیست؟، صفحات ۹- ۱۲ شماره  
۶۶ و پیشگامی باروت خلیج فارس و خواب باعداد رحیل،  
صفحات ۱۰- ۱۲ شماره ۷۱ همین ماهنامه. همچنین بنگرید به  
ترجمه یک گزارش «نیوزویک»، با عنوان «طلای سیاه» دریای آبی،  
که در همین شماره و در بخش اقتصادی چاپ شده است.